

## کودکانه‌ای متفاوت

از میان تمام فیلم‌های کودکانه‌ای که در جشنواره کودک اصفهان نمایش داده شد فقط «بیست و یک روز بعد» فرصت نمایش در سینماها را پیدا کرده. فیلم متفاوتی در سینمای کودک و نوجوان که بازیگوشی‌ها و دغدغه‌های کودکانه را به تصویر می‌کشد. کارگردانی این فیلم را محمدرضا خردمندان انجام داده و ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ و امیرحسین صدیق بازیگران بزرگسال آن هستند. داستان این فیلم، داستان ذهن بازیگوش و معجزه‌ساز کودکان است. ذهنی که می‌تواند قطار را متوقف کند و نور خورشید را کم و زیاد.

یکشنبه ● ۱۲ شهریور ۱۳۹۶ ● شماره صد و هجده

ا ت ی چ ع ح ن و

● از موسیقی ●



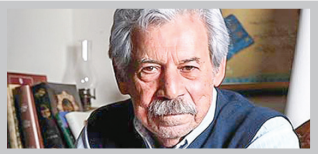
#### مهدی جهانی مجوز گرفت

روند اعطای مجوز به خواننده‌های جوان سرعت گرفته است و چهره‌هایی که تا دیروز فرصت انتشار آلبوم یا برگزاری کنسرت را نداشتند، می‌توانند به صورت رسمی به مخاطبان‌شان دیدار کنند. تازه‌ترین چهره جوانی که مجوزهای لازم را به دست آورده مهدی جهانی است که ۱۸ شهریور ماه برای نخستین مرتبه در سالن میلاد، نمایشگاه بین المللی روی صحنه می‌رود. آن طور که خودش می‌گوید امکان هم‌صدایی با هموطنانش بهترین اتفاق برای اوست.



#### دو جایزه مهم برای «زرد»

فیلم‌سینمایی «زرد»، فیلمی پربازیکر است که پیش از اکران حواشی فراوانی را پشت سر گذاشت. این فیلم‌سینمایی با بازی بهرام رادان، ساره بیات، مهرداد صدیقیان، شهرام حقیقت‌دوست، بهاره کیان افشار و ... هرچند در نوبت اکران قرار دارد و در پاییز امسال نمایش خود را آغاز می‌کند، اما پیش از اکران جوایز معتبری را به دست آورده. تازه‌ترین موفقیت برای این گروه جوان، کسب جایزه‌بهترین فیلم‌وبهترین فیلمنامه‌از جشنواره هنر روسیه است که هفته گذشته به پایان رسید.



#### یادگاری‌های داوود رشیدی

روز ۵ شهریور و همزمان با سالروز درگذشت زنده‌یاد داوود رشیدی، کاشی ماندگار او نیز جلوی خانه‌اش نصب شد تا تعداد کاشی‌های ماندگار به عدد ۱۸ برسد. این حرکت که از اردیبهشت ماه آغاز شده، از سوی سازمان میراث فرهنگی انجام می‌شود و ادای احترام این سازمان به بزرگان عرصه هنر و ادبیات است. اما نکته جالب اینجاست که همان شب احترام برومند، همسر رشیدی تصمیم گرفته تا وسایل و یادگاری‌های همسرش را به تئاتر نصر و موزه تئاتر بسپارد و چراغ این موزه را روشن کند.

## یک شهر یورکاملا ایرانی

### جشنواره هنرهای آیینی\_ سنتی در حال برگزاری است



دوره ۵۵۰ درخواست برای حضور در جشنواره داشتیم. در واقع از ۱۲ تقاضا در دوره اول به ۵۵۰ تقاضا در دوره هجدهم رسیدیم.

#### ■ همراه یادوره هجدهم

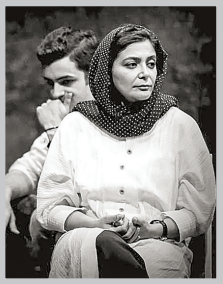
افتتاحیه این دوره از جشنواره در موسسه محک برگزار می‌شود و دست‌اندرکاران این جشنواره درنظر دارند تائیش از برگزاری کنفرانس‌های علمی- پژوهشی روزهای نخستین، نمایش‌های سنتی – آیینی را برای میهمانان خارجی اجرا کنند. همان‌طور که می‌خواهند تکیه اصلی را روی نمایش‌های کم‌تردیده شده و متن‌های کمتر خوانده شده بگذارند و البته به شبیه‌خوانی‌های شاد بهای بیشتری بدهند. به همین دلیل است که اگر قرار باشد ۱۸ دوره برگزاری این جشنواره را از نظر بگذرانیم، به احتمال فراوان این دوره شادترین دوره خواهد بود. مخصوصا که شبیه‌خوانی‌های تاریخی و شادی‌آور کمتر دیده شده‌اند و مخاطبان نیز کمتر با آن آشنا هستند. تغییر

#### ● دیدنی‌ها ●

● دلارام مجد ●

#### تابستان داغ در سینماها

«نسرین که نمی‌تواند به خاطر دختر شش ساله‌اش طلاق بگیرد، زندگی‌اش را جمع کرده، بی‌اطلاع شوهرش به گوشه‌ای از شهر پناه می‌برد و در مهدکودک بیمارستانی مشغول به کار می‌شود»، این جملات خلاصه‌ای از داستان «تابستان داغ» را روایت می‌کند. فیلمی که از چهارشنبه هفته گذشته به سینماها آمده و علی مصفا و پریناز ایزدیار نقش‌های اصلی آن را بازی می‌کنند. مینا ساداتی، بسنا میرطهماسب و صابر ابر دیگر بازیگران «تابستان داغ» هستند. این فیلم نخستین فیلم بلند سینمایی ابراهیم ایرج‌زاد است.



۰۹

#### ● دنبال پروانه‌ها ●



#### جنگال‌های پروانه ساخت

مهم‌ترین خبر این روزهای سینمای ایران لغو پروانه ساخت دو فیلم مهم است که مراحل پیش تولید خود را پشت سر گذاشته بودند. فیلم نخست، تازه‌ترین اثر سعید روستایی با نام «شش متر و نیم» است و دیگری «هیس! پسرها فریاد نمی‌زنند» به کارگردانی پوران درخشنده. از طرف دیگر محمدحسین مهدیوان نیز برای پروانه ساخت فیلم تازه‌اش به دردرس افتاده است. آیا فصل تازه‌ای در سینمای ایران آغاز شده که بالاتکلیفی سینماگران را دوچندان می‌کند؟

دیگری که در برگزاری این دوره از جشنواره به چشم می‌آید، حذف کارناوال‌های خیابانی است. اما دلیل پیچیده‌ای برای آن تصور نکنید. از آنجایی که برگزاری کارناوال‌های خیابانی نیاز به همکاری ارگان‌ها و سازمان‌های فراوانی از جمله میراث فرهنگی، شهرداری تهران، صداوسیما و ... دارد، لازم است تا یک گروه بزرگ دست به دست هم دهند. اما تغییر و تحول در شهرداری تهران امکان برگزاری کارناوال‌های خیابانی را از این جشنواره گرفت و دست‌اندرکارانش امیدوارند سال دیگر چنین اتفاقی را تجربه کنند. اصلی‌ترین دغدغه‌شان رابه عنوان بخش پایانی این گزارش بخواهید: «نمایش‌های سنتی بخشی از هویت ملی ماست و امروزه در همه جای جهان این هویت ملی در خطر نابودی قرار دارد. بنابراین همه احاد جامعه بشری باید در حفظ هویت خودشان تلاش کنند. بخشی از هویت ملی ما در حفظ نمایش‌های آیینی است.»

#### ■ نام‌های آشنا

بخشی از اجراهای حاضر در جشنواره در حال حاضر اجرای عمومی خود را پشت سر می‌گذارند. نمونه‌اش نمایش «شیرهای خان‌بابا سلطنه» که کارگردانی افشین هاشمی که گلاب آدینه در آن نقش سیاه را بازی می‌کند یا نمایش «مطرب» به کارگردانی بهزاد فراهانی که اجرای عمومی خود را به تازگی به پایان رسانده است. در این میان متن‌هایی از علی نصیریان و بهرام بیضایی نیز به کارگردانی جوان‌های این حوزه روی صحنه رفته‌اند که امیدهای مان را به این حوزه و تماشای آثار دوچندان می‌کند. البته که وقتی شما در حال خواندن این گزارش هستید، جشنواره به میانه راه رسیده و اجرای صحنه‌ای برخی از این آثار به پایان رسیده است، اما همچنان سه روز فرصت دارید تا تجربه‌ای متفاوت برای خودتان رقم بزنید و روزهای شهر یور ماه را از رخوت و بی‌حوصلگی خارج کنید. برای تماشای این آثار می‌توانید به تئاتر شهر، تالار سنگلج، تالار حافظ و تالار محراب بروید و اگر ترجیح می‌دهید پیش از خروج از خانه برنامه‌تان را بدانید، می‌توانید در وبسایت تیوال فهرست نمایش‌های موجود را ببینید، از همین وبسایت بلیت را تهیه کنید و به تماشای آثار محبوبتان بنشینید.



● از سینما ●

● نگارمفید ●

### ما و لاکپشت‌ها

فیلمی که این روزها از ابوالحسن داوودی در سینماها نمایش داده می‌شود، نزدیک به یک دهه فرصت اکران پیدا نکرده بود. امروز هم اگر امکان تماشای «زادبوم» فراهم شده، به مدد کمیته‌ای است که مسئولیت بررسی فیلم‌های توقیف‌شده را برعهده دارد. اما تعداد سینماهای نمایش‌دهنده «زادبوم» آن‌قدر کم است که کمتر کسی باور می‌کند اثری با این تعداد بازیگر و همراه با گروهی حرفه‌ای و قدیمی در چنین شرایطی اکران شود. اما آنچه در باره «زادبوم» مهم است، محتوا و ذات فیلم است که نباید در جنگ اکران و حواشی آن نابود شود. «زادبوم» یک داستان ایرانی است و خانواده‌ای گسسته را در دهه ۸۰ به تصویر می‌کشد. خانواده‌ای با پیشینه سیاسی که هرچند فعالیتانه زندگی می‌کنند اما شبیه به یک طلاق عاطفی طولانی مدت از یکدیگر فاصله می‌گیرند و به انفعال می‌رسند. اتفاقی که تاپیش از رسیدن به دنیای لاکپشت‌ها پابرجاست. لاکپشت‌های پوزه‌عقابی که طبق رسم و آیین غریزی‌شان فرزندان‌شان را در همان جایی به دنیا می‌آورند که خودشان به دنیا آمده‌اند و این قطعه جایی نیست به جز ساحل قشم. جایی که بومی‌ها برای تخم لاکپشت‌ها ارزش و اعتباری بیشتر از غذا قائل نیستند و انقراض این لاکپشت‌ها را فدای رزق و روزی‌شان می‌کنند. داستان «زادبوم» از اینجا آغاز می‌شود و زمانی که خانم دکتر وارد صحبت با اهالی قشم می‌شود به این امید که آنها را با خود همراه کند. این همراهی در نقطه‌ای اتفاق می‌افتد که ناخدا مهر تابیدی روی فعالیت او می‌زند و حیات لاکپشت‌ها از یک اتفاق فردی به یک اتفاق جمعی تبدیل می‌شود. درست است که بخش داستانی «زادبوم» گاهی ما را افسرده می‌کند و انتظارمان را برآورده نمی‌کند، اما به نفع بخش مستند می‌توان روی این کاستی‌ها چشم پوشید. همین تائیه‌های مستندوار است که غرور وطن پرستانه رادر بیننده قلقلک می‌دهد و به آن لحظات جذابی می‌رسد که حاضران شروع به تلاش برای نجات جان لاکپشت‌ها می‌کنند. نجات لاکپشت‌های نجات زادبوم است. همان لاکپشت‌های پوزه‌عقابی در معرض تهدید که این روزها بومی‌های قشم و طیفه خود را مراقبت از آنها می‌دانند. کار به جایی رسیده است که توره‌های قشم در اردیبهشت ماه گران‌تر می‌شوند و آدم‌ها برای تماشای به دنیا آمدن این لاکپشت‌های وفادار چشم می‌گردانند.

همراه با این فیلم باور مان می‌شود که چطور باید برای رسیدن به یک هدف فردی جنگید و آن را تبدیل به دغدغه‌ای عمومی کرد. به همین دلیل است که «زادبوم» را در فهرست فیلم‌های «حتما ببینید» قرار می‌دهیم و امیدواریم حاشیه‌های اکران، سداره دیده شدن فیلم نشود. به این دلیل که هرچند برخی از حرف‌های این داستان تکراری و نخ نما شده و غبار یک دهه خاک خوردن در پستو روی آن نشسته است، اما حرف‌های دیگر آن را می‌توان به گوش جان شنید و با آنها همراه شد. حتی ممکن است به خودتان بیایید و ببینید که چطور بخش‌های مستند «زادبوم» احساس تان را تکان می‌دهد و نم اشک هم گوشه چشم‌تان می‌نشیند. باورتان می‌شود که نجات این لاکپشت‌ها تا چه اندازه به هویت فرهنگی و تاریخی ما وابسته است و ارزش حرکت تمام آنها که برای حفظ جان لاکپشت‌ها تلاش کرده‌اند. آن وقت است که کشدار بودن بخش‌های داستانی را از یاد می‌برید و دل می‌دهید به دل آن لاکپشت‌های نوزاد که قدم روی شن‌های نرم می‌گذارند و به سمت خلیج فارس می‌روند. باورتان می‌شود که هیچ‌کس بیادیر نیست به جز مادر و با تصویر و تصویری آرام و خیالی راحت سالن سینما را ترک می‌کنید.

